

چالش‌های معلمی
در دنیای
صفر و یک‌ها

دام شبه‌علم

حسین غفاری*

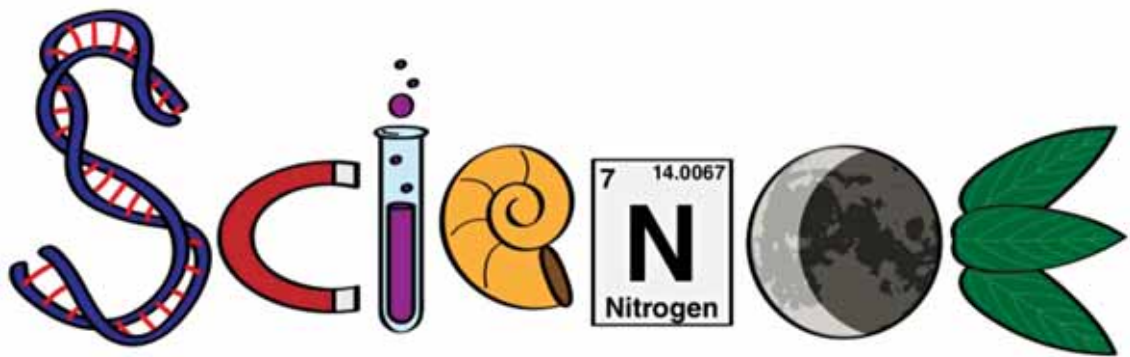
زمانه عوض شده است! نه دیگر بچه‌ها آن بچه‌های قدیم‌اند، نه مدرسه فقط محدود به دیوارهای سنتی‌اش مانده است! حالا رسانه‌ها رقیب جدی مدرسه برای تعلیم و تربیت بچه‌ها شده‌اند. پس چرا معلم‌ها باید به ابزار سنتی‌شان محدود بمانند؟ بچه‌ها از ما معلم‌ها انتظار دارند هم‌پایشان در «دنیای صفر و یک‌ها» بدویم و دستشان را بگیریم. آیا ما آماده‌ایم؟ در شماره قبل به چالش اول، با موضوع «محرمانگی داده‌ها» پرداختیم. در این شماره موضوعی مطرح شده است که هر روز با آن سروکار داریم.

مشکل دقیقاً همین‌جاست. وقتی با اطلاعات انبوه سر و کار دارید، جدا کردن «درست از غلط»، «شوخ‌از جدی» و «راست از دروغ» بسیار مشکل است. دانش‌آموز که جای خود دارد، حتی ما معلم‌ها هم در فضای مجازی بارها به دام اطلاعات «شبه‌علمی» می‌افتیم. «شبه‌علم» گزاره‌ای به‌ظاهر منطقی و گاه متکی بر حقایق و تجربیات عمومی است که اثبات یا رد آن به‌سادگی ممکن نیست. «تأثیر ماه تولد بر شخصیت»،

چالش دوم: علم و شبه‌علم در وب چطور اراجیف و عجایب را از هم تمیز دهیم؟

دنیای صفر و یک‌ها دنیای «اطلاعات» است. حجم اطلاعات موجود در وب هم بسیار فراتر از حد تصور ماست. این اطلاعات انبوه، اگر به‌درستی انتخاب و دسته‌بندی و جست‌وجو و استفاده شوند، در آموزش و یادگیری بسیار مفید و مؤثر خواهند بود. اما چطور باید این کار را کرد؟

* معلم سوادسازهای، منطقه ۳ تهران



مرز دیگر میان «علم» و «شبه‌علم»، امکان «تکرارپذیری» ادعاهاست. بسیاری از ادعاهای «شبه‌علم» فقط یک بار آزمایش شده‌اند و در شبیه‌سازی‌های بعدی نتیجه مشابهی گرفته نشده است. گول ادعای «تکرارپذیری» را هم نخوریم. جاعلان «شبه‌علم» روی تنبلی ما حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند و می‌دانند از هر چند هزار نفر فقط ممکن است یک نفر حوصله تکرار یک آزمایش را داشته باشد. لذا ممکن است با اعتماد به نفس بالایی، از «تکرارپذیری» حرف بزنند.

مراجع رسمی اعلام خبرهای علمی و فناوری را بشناسیم و فریب دلان آگاهی را نخوریم.

این دو شرط ساده، یعنی امکان «راستی‌آزمایی» و «تکرارپذیری» را باید بارها تمرین کنیم تا سر بزنگاه فریب نخوریم. مثلاً ادعای قدیمی «استفاده از سلاح مخوف هارپ برای ایجاد زلزله» در صورتی می‌تواند «شبه‌علم» نباشد که با مشاهده و آزمایش قابل تأیید باشد و بارها و بارها امکان تکرار داشته باشد.

متأسفانه، یکی از طرفندهای نفوذ شبه‌علم به باور مخاطبان، آمیختگی گزاره‌های آن با باورهای مذهبی است. سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی مردم یکی از دردناک‌ترین روش‌های توسعه «شبه‌علم» در همه جهان است. در این‌جا هم معلمان دلسوز و وظیفه‌مهم شفاف‌سازی مرزهای دین از خرافات را به استناد منابع دینی (وحی، نقل و عقل) به عهده دارند. یادمان باشد، «دین» با ترویج «شبه‌علم» مستحکم نمی‌شود و «دین‌داری» بر پایه «خرافات» فضیلت ندارد و «حقیقت» بی‌نیاز از «آرایش» است.

به دلیل جذابیت زرد و زمینه پذیرش قوی «شبه‌علم» در مخاطب، رسانه‌های مجازی هر روز و به هر مناسبتی بازنشرکننده طیف وسیعی از این گزاره‌ها و اخبار عجیب و غریب با موضوعات گوناگون هستند. یاد بگیریم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که بازنشر «شبه‌علم» نشان‌دهنده آگاهی و دانش ما نیست و موجب توسعه آگاهی و دانش عمومی نمی‌شود. پس در هنگام مواجهه با «شبه‌علم» خویشتن‌دار باشیم!

«خواص ضد سرطان تخم هندوانه»، «اثر جاذبه زمین بر طول عمر انسان»، «تفاوت‌های چپ‌مغزی و راست‌مغزی» و «تأثیر موسیقی بر شکل بلورهای آب» نمونه‌های معروفی از «شبه‌علم» هستند. «شبه‌علم» از واژه‌های علمی و کلام علمی برای تقویت و تثبیت موضعی استفاده می‌کند که در اساس پایه علمی ندارد، اما پذیرفتن آن برای مخاطب آسان و دلپذیر است. چرا؟ چون «شبه‌علم» معمولاً پاسخ‌های سراسر است و همه‌فهمی به پیچیدگی‌های جهان اطراف می‌دهد که غالباً با چاشنی محبوب «اغراق» یا «سرگرمی» همراه است.

به‌عنوان معلم، باید بدانیم و به بچه‌ها نیز بیاموزیم که «شبه‌علم» فقط در صورتی می‌تواند لباس «علم» بپوشد که امکان «راستی‌آزمایی» داشته باشد. داستان‌های «شبه‌علم» معمولاً به گونه‌ای نقل می‌شوند که امکان «راستی‌آزمایی» ندارند. یعنی شما نمی‌توانید با رفتن به منطقه‌ای، گفت‌وگو با شخصی یا جست‌وجو در اسناد و مدارک، صحت آن‌ها را تأیید کنید. «شبه‌علم» معمولاً خودش را به «آخرین تحقیقات مرموز دانشمندان»، «گفته‌های محرمانه بزرگان» یا «دستاوردی سرتی ابرقدرت‌ها» منتسب می‌کند. حربه خوبی است! به این ترتیب مخاطب کاملاً خلع سلاح می‌شود و چاره‌ای جز پذیرش ندارد. یادمان باشد، نویسنده هیچ مقاله و خبری «علم غیب» ندارد. هیچ دلیلی هم ندارد به کسی که ادعای «علم غیب» می‌کند، به راحتی اعتماد کنیم.

